

نگاه

نگاهی به عکس‌های خبری «جیمز نچوی» به بهانه انتشار کتاب «دوزخ»

کتاب آتش و بایگانی مرگ



- عَلیرضا امیرحاجبی

■ با انتشار کتاب «دوزخ» که مجموعه‌ای جالب توجه از عکس‌های «جیمز نچوی» را در اختیار مخاطبان علاقمند به هنر عکاسی می‌گذارد، این پرسش همواره بی‌پاسخ دوباره در ذهن تداعی می‌شود که: آیا عکاسی خبری یک هنر است یا یک پدیده «صنعتی» و زیرمجموعه‌ای از ساختارهای رسانه‌ای؟ از این مهم‌تر اینکه آیا الزامی به پاسخ‌گویی در این زمینه وجود دارد؟ به‌طور قطع خیر، الزامی وجود نخواهد داشت، اما در نظام فرهنگی اتمدنی بشر مدرن هر چیز در نهایت باید به شکلی منطقی گونه‌بندی شود. حال این گونه‌بندی‌ها چه کمکی به شناخت پدیده‌ها می‌کند، خود سخنی دیگر است. با نگاهی کلی به تعاریف متعدد منتقدان و اندیشمندان برای ارائه کردن الگویی جهت بازشناسایی هنر می‌توان پذیرفت که عکس خبری (با کمی تساهل) از جمله پدیده‌های نوظهور هنر معاصر محسوب می‌شود. اما کاربردی نبودن عکس خبری جهت اطلاع‌رسانی همواره این هنر اصنعت را بر لبه لغزان بودن یا نبودن در فضای هنری و خلاقانه در تعلیق نگاه می‌دارد ولی این تعلیق هیچ‌گاه نتوانست از ارزش و تأثیرگذاری عکس خبری در سطح و عمق افکار عمومی بکاهد. در این بین نقش برخی از عکاسان خبری از اهمیت بیشتری برخوردار است، از جمله جیمز نچوی، عکاس خبری آمریکایی که تمام تمرکز و توان خود را بر عکاسی جنگ و پوشش بحران‌های منطقه‌ای معطوف کرده است. اما دلیل این اهمیت چیست؟ چه چیزی در عکاسانی چون نچوی وجود دارد که دیگران فاقد آن هستند؟ «کریستین فرای» کارگردان فیلم مستند «عکاس جنگ» درباره شخصیت نچوی می‌گوید: «طی دو سال همراهی با نچوی جهت ساخت فیلم عکاس جنگ، چیزهای فراوانی از او آموختم. او هم به خود احترام می‌گذارد و هم به دیگران و این یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت اوست. در بسیاری از مواقع منظر بودم که مردم در شرایط بحرانی به وی اعتراض و حتی حمله کنند اما هیچ‌گاه چنین نشد. حضور او مزاحم هیچ‌کس نیست.»با نگاهی دقیق به عکس‌های کتاب دوزخ دوباره یکی از مهم‌ترین پرسش‌های مربوط به گزارش‌گری جنگ به ذهنم خطور کرد: «آیا ثبت واقعیت و انتقال بی‌وقفه آن باعث خواهد شد مناقشات و بحران‌ها سریع‌تر به پایان رسد؟ و

این گزارش و میراثی است برای آیند.



- حسن کامشاد

کتابخانه محله ما را (لندن) تازه‌گی نوسازی کرده‌اند. گر داگرد بنای بیضی‌شکل پنجره‌های شیشه‌ای برای روشنائی گذاشته‌اند و برون هر پنجره برای جلب مشتری به خط جلی گفتارهای آموزنده نگاشته‌اند. هوس کردم برخی را به فارسی برگردانم شاید نزد هموطنی کتاب گریز کارگر افتاد.

قرائتس کافکا

کتابخانه من خطه پهناور فرمانروایی من است.

ولیام شکسپیر کتاب اخلاقی یا غیر اخلاقی حرف واهی است. کتاب‌ها یا خوب نوشته شده‌اند یا بد.

اسکار وایلد
من از صدقه سری تلویزیون بسیار چیزها آموختم‌ام. به محض اینکه کسی آن را روشن کند، می‌روم به کتابخانه‌ام و کتابی خوب می‌خوانم.

گروچو مارکس
علاج دل‌تنگی کنج‌کاو است، اما کنج‌کاو را علاجی نیست
قدرت تخیل مهم‌تر از معلومات است...
آلبرت انیشتین
هر که چیزی را نداند چیز دیگری را می‌داند.
ضرب‌المثل کنیایی
من معضلی ندیده‌ام که با یک ساعت چیز خواندن تسکین نیافته‌باشد.

شارل دسکونرا
یک کتاب خوب را باید در جوانی خواند، سپس در میانسالی و بار دیگر در پیری، چنان که یک بنای زیبا را باید در روشنی بامداد و در نیمروز و در مهتاب دید.

رابر تسون دیویس
بخش بزرگی از کشور را می‌توان در کتاب‌ها پیمود.
اندرو لنگ
پس از آنکه از دست استانان رستیم، اینکه چند مرده حلاج می‌شویم بستگی دارد که چه بخوانیم. بزرگ‌ترین دانشگاه مجموعه‌ای کتاب است.

تاماس کارلایل
کتابخانه خوب جایی است، کاخی است که ذه‌نیت والای همه ملت‌ها و نسل‌ها در آن در هم می‌آمیزند.

سیمونل‌نیگر
فرهنگ، بازگشایی ذهن و روان است.

جواهر لعل نهرو
کتابخانه آزاد عمومی برترین گهواره دموکراسی در جهان است. در این جمهوری دانش و ادب رتبه، مقام و ثروت کوچک‌ترین جایگاه ندارند.

اندرو کارنگی
آموختن بدون اندیشیدن تلاش بیهوده است؛ اندیشیدن بدون آموختن خطرناک است.
ضرب‌المثل چینی
من همیشه آن کاری را می‌کنم که نمی‌توانم بکنم، که شاید بیاومزم چگونه آن کار را بکنم.
پابلو پیکاسو
هر گز نباید فراموش کنیم که هنر نوعی تبلیغ نیست، نوعی حقیقت است.
جان اف. کندی
بینش کافی نیست، باید همراه باشد با جرات ورزیدن. فایده



ندارد که از پایین پلکان به بالا بنگریم، باید از پله‌ها بالا رفت.
واسلاو هاول
دریغ از کتابی و گوشه دنجی
آلبرت انیشتین
جان ویلسن
من همیشه تصور کرده‌ام که بهشت گونه‌ای کتابخانه خواهد بود.

خورخه لوئیس بورخس
به حکم بزرگان، قلم تواناتر از شمشیر است.

ادوارد باور– **لیتون**
از لحظه‌ای که کتاب شما را به دست گرفتیم تا آن را زمین گذاشتیم از خنده روده‌بر شدیم. روزی آن را خواهم خواند.

گروچو مارکس
همین که بدانی در پایان روزی طولانی کتاب خوبی در انتظارت است، روز را خوش‌تر می‌گذرانی.

کاتلین نریاس
آموزش و پرورش بهترین توشه پیری است.

ارسطو
کلماتی که جان را برافروزد ارزش‌مندتر از جواهر است.
حضرت عنایت‌خان
هیچ سرگرمی‌ای به ازای خواندن و هیچ لذتی چنین پایدار نیست.

لیدی مری ور تلی مونتگیو
حقیقت ندارد که ما فقط یک بار زندگی می‌کنیم، اگر بتوانیم بخوانیم، می‌توانیم هر چه بخواهیم زندگی به انواع گوناگون داشته باشیم.

سی‌هایاکاوا
همیشه چیزی بخوان که اگر وسط آن مردی شایسته نمایی.

پ‌ج‌ارورک
وقتی فکرهای دل‌تنگ‌کننده حمله می‌آورند، هیچ چیز به اندازه شتافتن به سوی کتاب‌هایم به من کمک نمی‌کند. بی‌درنگ جذب آنها می‌شوم و ابراهای تیره از مغزم می‌روند.

میشل دمونتنی
کتابخانه زاده‌خانه آزادی است.
ناشناس
خواندن، دن کیشوت را آقای محترمی کرد. باور به خواننده‌هایش او را دایوانه کرد.

جورج برناردشا

گفتار بزرگان درباره کتاب

بهشت، گونه‌ای کتابخانه خواهد بود



کتاب‌هایی را بخوان که گاز می‌گیرند و نیش می‌زنند.
فرانتس کافکا
لرد اکتن
تاریخ خاطره مردمان است، بشر بدون خاطره به سطح پست‌ترین حیوانات نزول می‌کند.

کتاب‌هایی را بخوان که گاز می‌گیرند و نیش می‌زنند.
فرانتس کافکا
لرد اکتن
تاریخ خاطره مردمان است، بشر بدون خاطره به سطح پست‌ترین حیوانات نزول می‌کند.

کتاب‌هایی را بخوان که گاز می‌گیرند و نیش می‌زنند.
فرانتس کافکا
لرد اکتن
تاریخ خاطره مردمان است، بشر بدون خاطره به سطح پست‌ترین حیوانات نزول می‌کند.

کتاب‌هایی را بخوان که گاز می‌گیرند و نیش می‌زنند.
فرانتس کافکا
لرد اکتن
تاریخ خاطره مردمان است، بشر بدون خاطره به سطح پست‌ترین حیوانات نزول می‌کند.

کتاب‌هایی را بخوان که گاز می‌گیرند و نیش می‌زنند.
فرانتس کافکا
لرد اکتن
تاریخ خاطره مردمان است، بشر بدون خاطره به سطح پست‌ترین حیوانات نزول می‌کند.

کتاب‌هایی را بخوان که گاز می‌گیرند و نیش می‌زنند.
فرانتس کافکا
لرد اکتن
تاریخ خاطره مردمان است، بشر بدون خاطره به سطح پست‌ترین حیوانات نزول می‌کند.

کتاب‌هایی را بخوان که گاز می‌گیرند و نیش می‌زنند.
فرانتس کافکا
لرد اکتن
تاریخ خاطره مردمان است، بشر بدون خاطره به سطح پست‌ترین حیوانات نزول می‌کند.

کتاب‌هایی را بخوان که گاز می‌گیرند و نیش می‌زنند.
فرانتس کافکا
لرد اکتن
تاریخ خاطره مردمان است، بشر بدون خاطره به سطح پست‌ترین حیوانات نزول می‌کند.

کتاب‌هایی را بخوان که گاز می‌گیرند و نیش می‌زنند.
فرانتس کافکا
لرد اکتن
تاریخ خاطره مردمان است، بشر بدون خاطره به سطح پست‌ترین حیوانات نزول می‌کند.

کتاب‌هایی را بخوان که گاز می‌گیرند و نیش می‌زنند.
فرانتس کافکا
لرد اکتن
تاریخ خاطره مردمان است، بشر بدون خاطره به سطح پست‌ترین حیوانات نزول می‌کند.

کتاب‌هایی را بخوان که گاز می‌گیرند و نیش می‌زنند.
فرانتس کافکا
لرد اکتن
تاریخ خاطره مردمان است، بشر بدون خاطره به سطح پست‌ترین حیوانات نزول می‌کند.

کتاب‌هایی را بخوان که گاز می‌گیرند و نیش می‌زنند.
فرانتس کافکا
لرد اکتن
تاریخ خاطره مردمان است، بشر بدون خاطره به سطح پست‌ترین حیوانات نزول می‌کند.

کتاب‌هایی را بخوان که گاز می‌گیرند و نیش می‌زنند.
فرانتس کافکا
لرد اکتن
تاریخ خاطره مردمان است، بشر بدون خاطره به سطح پست‌ترین حیوانات نزول می‌کند.

کتاب‌هایی را بخوان که گاز می‌گیرند و نیش می‌زنند.
فرانتس کافکا
لرد اکتن
تاریخ خاطره مردمان است، بشر بدون خاطره به سطح پست‌ترین حیوانات نزول می‌کند.

از نوشتن هم به اندازه خواندن بیاموزید.

از ادبیات مانند عشق، از گزیده دیگران شگفت‌زده می‌شویم.
اندرو مورنا
ملکم ایکس
به این همه زیبایی پیرامونت بیندیش و خوش باشد.

از ادبیات مانند عشق، از گزیده دیگران شگفت‌زده می‌شویم.
اندرو مورنا
ملکم ایکس
به این همه زیبایی پیرامونت بیندیش و خوش باشد.

از ادبیات مانند عشق، از گزیده دیگران شگفت‌زده می‌شویم.
اندرو مورنا
ملکم ایکس
به این همه زیبایی پیرامونت بیندیش و خوش باشد.

از ادبیات مانند عشق، از گزیده دیگران شگفت‌زده می‌شویم.
اندرو مورنا
ملکم ایکس
به این همه زیبایی پیرامونت بیندیش و خوش باشد.

از ادبیات مانند عشق، از گزیده دیگران شگفت‌زده می‌شویم.
اندرو مورنا
ملکم ایکس
به این همه زیبایی پیرامونت بیندیش و خوش باشد.

از ادبیات مانند عشق، از گزیده دیگران شگفت‌زده می‌شویم.
اندرو مورنا
ملکم ایکس
به این همه زیبایی پیرامونت بیندیش و خوش باشد.

از ادبیات مانند عشق، از گزیده دیگران شگفت‌زده می‌شویم.
اندرو مورنا
ملکم ایکس
به این همه زیبایی پیرامونت بیندیش و خوش باشد.

از ادبیات مانند عشق، از گزیده دیگران شگفت‌زده می‌شویم.
اندرو مورنا
ملکم ایکس
به این همه زیبایی پیرامونت بیندیش و خوش باشد.

از ادبیات مانند عشق، از گزیده دیگران شگفت‌زده می‌شویم.
اندرو مورنا
ملکم ایکس
به این همه زیبایی پیرامونت بیندیش و خوش باشد.

از ادبیات مانند عشق، از گزیده دیگران شگفت‌زده می‌شویم.
اندرو مورنا
ملکم ایکس
به این همه زیبایی پیرامونت بیندیش و خوش باشد.

از ادبیات مانند عشق، از گزیده دیگران شگفت‌زده می‌شویم.
اندرو مورنا
ملکم ایکس
به این همه زیبایی پیرامونت بیندیش و خوش باشد.

از ادبیات مانند عشق، از گزیده دیگران شگفت‌زده می‌شویم.
اندرو مورنا
ملکم ایکس
به این همه زیبایی پیرامونت بیندیش و خوش باشد.

از ادبیات مانند عشق، از گزیده دیگران شگفت‌زده می‌شویم.
اندرو مورنا
ملکم ایکس
به این همه زیبایی پیرامونت بیندیش و خوش باشد.

از ادبیات مانند عشق، از گزیده دیگران شگفت‌زده می‌شویم.
اندرو مورنا
ملکم ایکس
به این همه زیبایی پیرامونت بیندیش و خوش باشد.

از ادبیات مانند عشق، از گزیده دیگران شگفت‌زده می‌شویم.
اندرو مورنا
ملکم ایکس
به این همه زیبایی پیرامونت بیندیش و خوش باشد.

از ادبیات مانند عشق، از گزیده دیگران شگفت‌زده می‌شویم.
اندرو مورنا
ملکم ایکس
به این همه زیبایی پیرامونت بیندیش و خوش باشد.

عطف کتاب

کتاب‌های مجموعه «قصه‌نو» نشر افکار «نشر افکار» کتاب‌هایی را تحت عنوان مجموعه «قصه نو» منتشر می‌کند که این مجموعه آثاری را در حوزه ادبیات داستانی دربر می‌گیرد. مجموعه «قصه نو» آن گونه که دبیر این مجموعه–محسن فرجی– در یادداشت آغاز کتاب‌ها به آن اشاره کرده است، می‌کوشد تا بازتاب‌دهنده صداهایی نو در ادبیات امروز ایران باشد؛ صداهایی که حین تنوع و تکثر، در دو نقطه به هم می‌رسند. یکی نمایش جلوه‌هایی از هویت ایرانی و دیگری در ارایه شیوه‌هایی تازه در قصه‌گویی و روایت. ضمن احترام به سنت‌های ادبی و خواسته‌های مخاطب. در این مجموعه هم‌باز چاپ برخی آثار قدیمی دیده می‌شود و هم آثاری که برای نخستین بار توسط نشر افکار منتشر شده‌اند.

■ ■ ■

مراثی یک روایت ساده

این کتاب که سومین اثر داستانی «بهادالدین مرشدی» است، شامل چند داستان به‌هم‌پیوسته درباره زنی به نام ماری‌تا است که در هر کدام از داستان‌ها اتفاقاتی برای او رخ می‌دهد و در پایان هر داستان نهایتا ماری‌تا محکوم می‌شود. شاید مهم‌ترین ویژگی این کتاب، نثر داستان‌هایش باشد که همگی آنها دارای ویژگی‌های شاعرانه‌اند. به عبارت بهتر، مرشدی کوشیده است تا قسم‌ای شاعرانه بیافریند و نثر و روایت داستان‌ها در مرز بین شعر و قصه در حرکاتند. این کتاب که به تازگی منتشر شده است با این جملات آغاز می‌شود: «آه ماری‌تا، ماری‌تا، ماری‌تا، ماری‌تا رفت و دیگر هیچ وقت برگشت، محشر می‌شد رفت، رفت و دیگر برگشت. (هی روزهای بی‌شناسنامه برگرد)، دنیا کمی شبیه عجیب است. من که از تو چیزی نمی‌خواستم، فقط می‌خواستم دنیا را کمی سبک کنی. سبک عین عین بال مردگان. من فقط می‌خواستم ماری‌تا را داشته باشم.»

خانه ابر و باد

رمانی نوشته «فرشته مولوی» که پیش از این منتشر شده بود و این بار با ویرایشی تازه توسط نشر افکار به بازار کتاب عرضه شده است. این اثر با مروری بر فرهنگ ایرانی از چند دهه گذشته، آداب و رسوم خانه‌های ایرانی را به فضای داستان وارد کرده است و مناسبات انسانی را در خانواده و جامعه مرور کرده و در این میان به زوایا چندین لسل توجه داشته است.

داستان‌های غریب مردمان عادی این کتاب مجموعه داستان‌هایی کوتاه و به‌هم‌پیوسته از «محمدعلی علومی» است که نویسنده این اثر را به بازماندگان زلزله بم تقدیم کرده است. این کتاب ۱۱ داستان کوتاه را دربر می‌گیرد و در پایان کتاب «فرهنگ واژه‌ها، اصطلاحات، تعابیر و اسامی خاص» به همراه مخرهای از نویسنده آمده است. علومی در این مورخه به زبان و فرهنگ بومی منطقه بم پرداخته است. علومی در این کتاب نیز مانند غالب آثارش به ادبیات بومی و اسطوره‌ها و فرهنگ بم توجه داشته است.

نزدیک‌تر یا

مجموعه داستانی کوتاه نوشته «فاطمه خلخالی استاد» که در واقع اولین مجموعه داستان اوست. داستان‌های این کتاب در دو فضای شهری و روستایی روایت می‌شوند. در داستان‌هایی که دارای فضایی بومی و روستایی‌اند، بیشتر آداب و رسوم و فرهنگ بومی شهرستان‌ها و روستاهای اطراف مشهد مدنظر بوده است.

آرام‌بخش می‌خواهم

مجموعه داستانی از «محمدشام اکبرپانی» که شامل ۱۷ داستان کوتاه است. برخی از داستان‌های این مجموعه با نگاهی واقع‌گرایانه به مسایل انسانی و اجتماعی آراسته‌نوشته شده‌اند.

دنیا در آغوش من است

این کتاب نخستین اثر میهن‌نهی است که شامل هفت داستان کوتاه است. نویسنده در این کتاب بیشتر به روابط انسانی در دنیای مدرن توجه داشته و تلاش کرده تا تصویری از جامعه امروزی ایران را به تصویر کشد.

خوش‌خانه

مجموعه داستانی از «آیت دولتشاه» که ۱۶ داستان کوتاه را دربر می‌گیرد که به شیوه اول شخص روایت شده‌اند. این کتاب که اولین اثر آیت دولتشاه است، شامل داستان‌هایی است که او در شش‌هفت سال اخیر نوشته است.

فرشتگان پشت صحنه

این کتاب مجموعه داستان‌هایی کوتاه از «بی‌تا ملکوئی» است و عنوان آن برگرفته از دو داستان کتاب با نام‌های «پشت صحنه» و «پارس و فرشتگان نیمه‌شب» است.